

ORIGINAL ARTICLE

بررسی تشابهات پزشکی در دو اثر اساطیری-حماسی "شاهنامه فردوسی" ایران و "فنگ شن ینی" چین

Investigating Medical Parallels between Two Works of Mythology and Epics; Ferdosi's *Shanameh* from Iran and *Fēng Shén Yǎn Yi* from China

Reyhane Ahansazan¹, Amir Hooman Kazemi^{2,3}, Mehrdad Karimi², Hamed Ahansazan⁴

1- Department of History of Medicine, Traditional Medical school, Tehran University of Medical sciences, Tehran, Iran

2- Department of Traditional medicine, Traditional Medical School, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

3- Beijing University of Chinese Medical, Beijing, China

4- Department of History of Medicine, School of Traditional Medicine, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Correspondence: Amir Hooman Kazemi; Department of Traditional medicine, Traditional Medical School, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran; Beijing University of Chinese Medical, Beijing, China; amirhoomank@yahoo.com

Abstract

Some believe that ancient mythological and literary texts solely aimed to amuse and entertain, and were sprouted from their feelings and thoughts, and do not regard the study of the ancient and mythological stories as having the definiteness and clarity which science is known for it. Hence, this is why mythological stories in reality convey the beliefs, nature, attitudes and the extent of human knowledge at some point in history. They account for one of the most important signs of civilization and an important factor in creating cultural ties and dominance in the past. It is on this basis that literature is considered as a symbol of cultural competence and civilization of various nations. Although Ferdosi's *Shanameh* from Iran and *Fēng Shén Yǎn Yi* from China are independent works, numerous similarities in various fields including mythological and

ریحانه آهن سازان^۱

امیر هومن کاظمی^{۲،۳}

مهرداد کریمی^۲

حامد آهن سازان^۴

۱- گروه تاریخ پزشکی، دانشکده طب سنتی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۲- گروه طب سنتی، دانشکده طب سنتی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۳- دانشگاه پزشکی چینی بیجینگ، بیجینگ، چین

۴- گروه تاریخ پزشکی، دانشکده طب سنتی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

نویسنده مسئول: امیر هومن کاظمی، گروه طب سنتی، دانشکده

طب سنتی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران؛ دانشگاه پزشکی چینی بیجینگ، بیجینگ، چین

amirhoomank@yahoo.com



medical elements are to be found. It can be concluded that the effects of each of these works have acknowledged the signs of old historical relations between Iran and China.

Key words: History of Medicine, Persian Medicine, Chinese Medicine, Shahnameh, Fēng Shēn Yǎn Yì

Received: 17 Aug 2016; Accepted: 29 Aug 2016; Online published: 26 Oct 2016

Research on History of Medicine/2016 Nov; 5(4): 197-204.

1- Safa, 1954: 3-5.

2- Ibid.

3- Amouzgar, 1995: 88.

4- Amouzgar, 1998: 91-102.

5- Amouzgar, 1995: 88.

خلاصه مقاله

برخی معتقدند داستان‌های اساطیری و متون ادبی کهن، تنها برای شاد کردن و سرگرمی مردم اند و از احساسات و افکار آن‌ها پدید می‌آیند و مطالعه داستان‌های اساطیری و ادبیات کهن را در خور آن قطعیت و صراحتی که خاص علم است نمی‌دانند. این در حالی است که داستان‌های اساطیری در حقیقت بیان‌کننده عقاید، چستی‌ها، نگرش‌ها، و گستره دانش انسان در مقطعی از تاریخ هستند و یکی از مهم‌ترین نشانگان تمدن و عامل مهم برقراری ارتباط و غلبه فرهنگی در گذشته به شمار می‌آیند. بر همین اساس است که ادبیات به عنوان نماد شایستگی فرهنگ و تمدن ملت‌ها به شمار می‌آید. شاهنامه فردوسی و فنک‌شن ینی هرچند که آثاری مستقل از یکدیگرند ولیکن با بررسی تشابهات مختلفی که در زمینه‌های گوناگون از جمله پزشکی در عناصر اساطیری و حماسی آن‌ها یافت می‌شود می‌توان چنین نتیجه گرفت که این آثار تأثیراتی از یکدیگر پذیرفته‌اند که این خود نشان از قدمت روابط تاریخی میان ایران و چین دارد.

واژگان کلیدی: تاریخ پزشکی، پزشکی ایرانی، پزشکی چینی، شاهنامه، فنک‌شن ینی

مقدمه

حماسه: حماسه در ادبیات فارسی به سروده‌ها و نوشته‌های رزمی و پهلوانی گفته می‌شود؛ بخصوص آن دسته از سروده‌ها و نوشته‌هایی که به بیان افتخارات و جنگاوری‌ها می‌پردازند.¹ اصولاً آثار حماسی در میان ملت‌هایی بوجود آمده‌اند که علاوه بر داشتن تاریخی کهن، بر ملیت و تمامیت مرزهای خود آگاهی کامل داشته‌اند و در حفظ آن در برابر بیگانگان تلاش می‌کرده‌اند. از همین رو است که این نوع آثار کهن عموماً ویژه‌ی کشورهای با تمدن و فرهنگ بسیار کهن هستند که از آن جمله می‌توان به ایران، چین، مصر، و یونان اشاره نمود. آثار حماسی را می‌توان از منظرهای گوناگونی طبقه‌بندی نمود که از لحاظ موضوع به پهلوانی، اساطیری، تاریخ، دینی، عرفانی، عاشقانه، تمثیلی، طنز و فکاهی تقسیم‌بندی می‌شوند.²

اساطیر: اساطیر، جمع مکتور اسطوره است که در فهم عامه معنی خیالی و غیر واقعی و بیشتر جنبه افسانه‌ای دارد؛ اما در حقیقت اسطوره را باید داستان و سرگذشتی مینوی دانست که به بیان عقاید و چستی‌ها که پیوندی ناگسستنی با فرهنگ و تاریخ و دانش یک ملت دارند، می‌پردازد.^{3,4}

با توجه به توضیحات ارائه شده حال می‌توانیم به تعریف ترکیب‌واژه‌ی اساطیری-حماسی بپردازیم و آن را گونه‌ای از آثار ادبی بدانیم که شرح داستان‌های پهلوانی و جنگاوری است که در بستری تاریخی با ریشه‌هایی از اعتقادات فرهنگی، دانشی، و ملی یک ملت شکل گرفته است.⁵

در ادامه ضمن معرفی دو اثر اساطیری-حماسی زیر- یعنی شاهنامه فردوسی از ایران و فنک‌شن ینی از چین - که با هدف بررسی روابط پزشکی دو کشور ایران و چین انتخاب شده‌اند، به ۵ مورد از تشابهات داستانی این دو اثر در مباحث و آموزه‌های پزشکی پرداخته شده است.

شاهنامه فردوسی

شاهنامه؛ اثر حکیم ابوالقاسم فردوسی، بزرگ‌ترین و برجسته‌ترین سروده حماسی



جهان است که سرایش آن به زعم سراینده پس از ۳۰ سال در سال ۱۰۱۰ میلادی به انجام رسیده و دربرگیرنده شصت هزار بیت است.⁶ این اثر اساطیری-حماسی دربرگیرنده تاریخ ایران از زمان پادشاهان پیشدادی تا حمله اعراب به ایران است و یکی از مهمترین منابع تاریخ ایران به شمار می آید.⁷ شاهنامه فردوسی در ادبیات جهان کاملاً شناخته شده است چنان که در سال ۲۰۱۰ میلادی به پیشنهاد بنیاد فردوسی از ایران، هزاره‌ی شاهنامه در یونسکو به ثبت رسیده و کشورهای بسیاری از جمله فرانسه و آلمان برای گرامیداشت این رویداد برنامه‌های مختلفی برگزار کردند.^{8،9}

شاهنامه از ۳ بخش پهلوانی، اسطوره‌ای و تاریخی تشکیل شده است که بخش تاریخی آن یکی از ویژگی‌های مهم کتاب بشمار می آید چرا که با نظمی منطقی و واقعی پیش رفته و دوران پادشاهی شاهان باستانی ایران را از کیومرث¹⁰ تا زمان حمله اعراب به ایران در سده هفتم میلادی در بن مایه‌های اساطیری و پهلوانی به تصویر کشیده است.^{11،12}

فنگ شن ینی

فنگ شن ینی¹³، بر خلاف شاهنامه فردوسی یک اثر مستقل از یک نویسنده نیست بلکه گروه کثیری از شعرا و فلاسفه گمنام چین در نگارش و نشر آن شرکت داشته‌اند. با این حال محققین حوزه تاریخ چین بر این باورند که تدوین فنگ شن ینی بین سال‌های ۱۳۶۸ میلادی الی ۱۶۴۴ میلادی در زمان سلسله مینگ و توسط یکی از این دو فرد: شو جنگ لینگ¹⁴، یا لو سی سین، صورت گرفته است.¹⁵ این اثر شامل ۱۰۰ فصل است که به حوادث و جنگ‌هایی می‌پردازد که در زمان پادشاهی چو وانگ¹⁶ اتفاق افتاده است و خدایان، فرشتگان و سایر عناصر اساطیری را در خلال این رخدادها دخالت می‌دهد. شروع منظومه چینی از زمان سقوط سلسله شانگ در حدود قرن ۱۱ پیش از میلاد است. فنگ شن ینی بیشتر به مجموعه‌ای از حکایت‌هایی شفاهی می‌ماند که بعداً با دخل و تصرفاتی در اجزای داستان اصلی به صورت منظوم و مکتوب در آمده است.^{17،18}

تشابهات پزشکی شاهنامه فردوسی و فنگ شن ینی

شاهنامه فردوسی و منظومه فنگ شن ینی به عنوان کتاب‌های ادبیات و تاریخ اساطیری در کلیه زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، دینی و جغرافیایی در ملت‌های خود شناخته می‌شوند. اما نکته قابل توجه وجود مباحث و آموزه‌های پزشکی در هر دو اثر است. به اعتقاد پژوهشگران، تشابه اساطیر در فنگ شن ینی با شاهنامه فردوسی بسیار زیاد است اما شاهنامه فردوسی به واقعیت نزدیک‌تر است و اساطیر ایرانی شکل واقعی‌تری نسبت به اساطیر فنگ شن ینی دارند.^{19،20} محققان بسیاری بر روی شاهنامه فردوسی و جنبه‌های پزشکی و درمان آن کار کرده‌اند. اما آثار محدودی را در ارتباط به شباهت‌های درمانی بین شاهنامه فردوسی و شاهنامه چینی می‌توان یافت.

۱- درمان نابینایی

در داستان غلبه رستم بر دیو سفید، رستم بر اساس دستوری که یک پزشک فرزانه به وی داده است برای اینکه بینایی کاووس و همراهانش را به آنان بازگرداند بایستی جگر دیو سفید را درآورد و خون آن را درون چشم‌های افراد کور شده بچکاند. این شیوه درمان برای نابینایی در فنگ شن ینی نیز بیان شده است. بر اساس متون دینی تائوئیستی آمده است که: شش اندام درونی، شامل تمام یا بخشی از روان آدمی است که «شن»²¹ نامیده می‌شود. «شن» جگر «لونگ»-ین²² یا «دود اژدها» نام دارد و ملقب به «هن-مینگ»²³ است یعنی کسی که روشنایی در آواراه‌های خود دارد. بنابراین خون جگر دیو سفید به اعتقاد باستانی تائوئیست‌ها دارای روشنایی است. این یکی از معدود مواقعی در شاهنامه فردوسی

- 6- Ferdowsi, 2010.
- 7- Safa, 1954: 3-5.
- 8- Dehkoda, 1998.
- 9- Chien et al, 1992.
- 10- نخستین شاه ایرانی به روایت شاهنامه، و آدم ابوالبشر به روایت اوستا است.
- 11- Safa, 1954: 3-5.
- 12- Ramezan mahi, 2005.
- 13- Feng- shen Yen-I or Fēng Shén Yǎn Yi.
- 14- Xu Zhong Lin.
- 15- Chien et al, 1992.
- 16- Chou Wang
- 17- Liu Ts'un-jen, 1983.
- 18- Chien et al, 1992.
- 19- Ramezan Mahi, 2005.
- 20- Coyajee, 1965.
- 21- Shen
- 22- Long-yan
- 23- Han-ming



است که بدون اینکه توجیهی برای اینکار ارائه شود یک روش درمانی گفته شده است. فردوسی در شاهنامه علتی برای این نحوه درمان که به رستم پیشنهاد شده است ذکر نمی‌کند، تنها نکته ای که ذکر میشود این است که این روش درمانی دستور العمل یک پزشک فرزانه است. اما همان‌طور که اشاره شد این مطلب در آموزه‌های تائوگرایان باستان دارای توجیه درمانی است. اینکه یک روش درمانی در شاهنامه فردوسی یک توجیه پزشکی از چین دارد نکته قابل توجه ای است که می‌تواند گستره روابط پزشکی ایران و چین را در سال‌های خیلی دورتر نشان دهد و اینکه احتمالاً اثر شفا بخشی جگر از همین آموزه کهن چینی گرفته شده است.

۲- نوش دارو

شاید بتوان تنها تفاوت مهم در این داستان را با شاهنامه فردوسی در پایان خوش آن دانست. رستم شاهنامه چینی (فنگگ شن ینی)، لی - چینگ²⁴ و پسرش نو - چا یا لی - نوچا²⁵ نام دارد. شباهت داستان در کلیه قسمت‌ها و حتی خصوصیات اخلاقی شخصیت‌ها در فنگگ شن ینی با شاهنامه فردوسی همانند است. سیر داستان و بستر اصلی داستان‌ها نیز یکی است. به عنوان مثال رستم به دستور کاووس و لی - چینگ به دستور پادشاه چو²⁶ به رزمگاه می‌روند.²⁷ شباهت افسانه چینی را حتی در بازوبندها، قدرت و توانمندی دو پهلوان، رشد آن‌ها در کودکی، سرنوشت مادران، جنگ‌های پسران و نحوه عاشق شدن آن‌ها، جوانمردی پسران و غیره می‌بینیم. در هر دو داستان پدران از نیروهای خارق العاده برای تسکین و درمان خود و آرامش روانی در میدان رزم کمک می‌طلبند. در شاهنامه فردوسی، رستم برای نجات سهراب از مرگ، طلب نوشدارو (در اوستا (انوشا) و در زبان پهلوی (انوش) به معنی بی مرگ آمده است. واژه (نوش) در زبان فارسی در مقابل (زهر) است. نوشدارو مترادف است با انوشا، انوش، پادزهر و تریاق) می‌کند اما کاووس از ارسال به موقع نوشدارو سرباز می‌زند. گرچه در فنگگ شن ینی سخنی از نوشدارو نیامده است اما لی - چینگ از استاد دائوئیست خود با نام، تای - ای - جن - رن²⁸ یا جن - تائو - تنگ - جن²⁹ که پزشکی با مهارت بسیار است کمک می‌طلبد و او با دانش خود نوچا را از مرگ نجات می‌دهد.³⁰ معادل نوشدارو را می‌توان قارچ جاویدان در فنگگ شن ینی نیز دانست. البته استفاده از این قارچ در داستان رستم و سهراب نیامده ولی خصوصیات درمانی و معجزه ای این قارچ جاویدان، دقیقاً مشابه به نوشدارو است، به طوری که هر دو دارو می‌توانند انسان را از مرگ نجات دهند. اما همان‌طور که گفته شد در شاهنامه چینی، برای درمان نوچا از علم و مهارت یک پزشک استفاده می‌شود نه قارچ جاویدان.

۳- اشاره به گیاهان و خواص دارویی آن‌ها

اشاره به گیاهان و خواص درمانی آن‌ها در متون باستانی بیانگر این است که در پزشکی کهن، داروها از گیاهان به دست می‌آمده است. نام گیاهان دارویی در متون ادبی نشان‌دهنده اهمیت شناخت و رواج گیاهان دارویی بین ایرانیان است.³¹ در ابتدای شاهنامه نیز به اهمیت گیاهان دارویی در درمان اشاره شده است.

چو بان و چو کافور و چون مشکک ناب چو عود و چو عنبر چو روشن گلاب

پزشکی و درمان هر دردمند در تندرستی و راه گزند³²

همچنین در داستان رستم و اسفندیار، اشاره به خواص گیاهانی را می‌بینیم که تعدادی از قرینه‌های آن‌ها را در ادبیات کهن چین نیز می‌توان مشاهده کرد.³³ گیاه کاسیا³⁴، صنوبر، کاج و دیگر درختان زندگی بخش (گیاه جاودانگی یا زندگی بخش یا همان گیاه جاودانگی در داستان گیلگمش³⁵ است.³⁶ این گیاه را اولین

- 24- Li Ching
25- No-cha or Li No-cha or Ne- Cha.
26- Chou Wang (ruled from 1154 to 1123 B.C.)
27- Coyajee, 1961.
28- Tai-Yi-Zhen-Ren.
29- Jen-Tao-Teng-Jan.
30- Ramezan Mahi, 2005.
31- Ghazavi, 2005.
32- Ferdowsi, 2010.
33- Coyajee, 2005.
34- Cassia.
35- شخصیت اصلی حماسه گیلگمش که یک سروده حماسی آکدی متعلق به ۲۷۰۰ سال پیش از میلاد است.
36- Sanders, 2009.



ماده درمانی می‌دانند) از جمله گیاهانی هستند که در ادبیات باستانی چین بارها به آن اشاره شده است. درخت‌هایی که تندرستی و طول عمر، نیرو، جاودانگی و زندگی به بیماران می‌بخشند و محل رویش آن‌ها را کرانه‌های دریای چین می‌دانند. جایگاه تقدس این گیاهان در هر دو شاهنامه قابل تأمل است. در شاهنامه فردوسی به «آیین درخت گز» اشاره شده و در چین نیز «آیین کاسیا» یا «آیین درخت» ذکر شده است. درخت گز و پرندۀ سیمرغ در شاهنامه فردوسی با درنا و درخت کاسیا همانندی دارند. به گفته د گروت³⁷: «اشکال شگفتی که گاهی قسمتی از گیاهان پیدا می‌کنند باعث رواج عقیده (جان‌داری) این گیاهان در چین شده است»³⁸.

وی همچنین داستان مردی را نقل می‌کند که در آستانه مرگ بود و با خوردن گیاه زندگی بخش جوانی و نیروی حیات به او بر می‌گردد. در شاهنامه فردوسی آمده است که پس از زخمی شدن رستم توسط اسفندیار، کمک سیمرغ به رستم باعث نجات وی می‌شود و مالیدن پرهای مرغ معجزه‌گر بر روی زخم‌ها باعث بهبودی آن‌ها گردید. سیمرغ در شاهنامه در واقع نماد پزشکی و حکیمی است که به درمان بیماری‌های مشکل می‌پردازد.³⁹

ازو چار پیکان بر بیرون کشید به منقار از آن خستگی خون کشید

بر آن خستگی‌ها بمالید پر هم اندر زمان گشت با زور و فر

بدو گفت کین خستگی‌ها ببند همی باش یک هفته دور از گزند

یکی پر من تر بگردان به شیر بمال اندر خستگی‌های تیر⁴⁰

به اعتقاد چینیان پرندگان درنا دارای روح زندگی بخش و درمان‌گر هستند و بر شاخه‌های درخت کاسیا با بلندی سه هزار متر آشیانه دارند. محل زندگی سیمرغ نیز درخت گز است. از طرفی همان‌طور که میوه درخت گز درمانگر است، در چین نیز میوه درخت کاسیا زندگی را باز می‌گرداند.⁴¹ در توصیف درخت گز در شاهنامه آمده است:

گزی دید بر خاک سر بر هوا نشست از برش مرغ فرمانروا⁴²

در شاهنامه چین اشاره به پرندۀ ای با نام «مرغ رخ» نیز هست که احتمالاً همان «ختو» است.⁴³ برخی ختو را معادل سیمرغ و برخی دیگر مرغ درنا را معادل سیمرغ می‌دانند.⁴⁴ هر دو پرندۀ چینی شباهت‌هایی با سیمرغ دارد. مرغ رخ دارای سرشتی دو گانه است، یعنی گاه به صورت پرندۀ ای است و گاه به صورت پیرمردی پارسا و درمانگر با نام «جان دنگ دائو جن» در می‌آید که می‌توان این پیرمرد پارسا را با پزشک روحانی ایرانی «سننه» مقایسه کرد. نام مرغ رخ یا ختو بارها در متون تاریخی، ادبی، جغرافیایی و حتی طبی ایرانیان آمده است و برخی نام آن را به معنی «بزرگ» نیز تعبیر کرده‌اند.⁴⁵

۴- تولد زال و رستم

یکی از نکات مهم در شاهنامه فردوسی اشاره‌های وی به نام بیماری‌ها و گاه نحوه درمان آن‌ها است؛ از جمله بیماری آلبنیسم⁴⁶ و نحوه تولد نوزاد به روش سزارین را می‌توان نام برد. افسانه چینی هائو-گی⁴⁷ شباهت زیادی به تولد زال با موهای سپید (بیماری آلبنیسم) دارد.⁴⁸ در شاهنامه فردوسی، سام پدر زال بعد از تولد کودکش او را رها می‌کند تا بمیرد، اما سیمرغ از او مراقبت می‌کند. در افسانه چینی نیز هائو-گی نخستین پسر خانواده با موهای سفید (مانند بره) به دنیا

- 37- De Groot.
- 38- Morad Ganje et al, 2012.
- 39- Ibid.
- 40- Ferdowsi, 2010.
- 41- Christie, 1997.
- 42- Ferdowsi, 2010.
- 43- Tonekaboni, 1669.
- 44- Ibid.
- 45- Rastgary Fasayi, 1990.
- 46- Albinism.
- 47- Hau-ki.
- 48- Azari, 1988.



می آید و پدر از تولد چنین نوزادی خجالت می کشد و به همین خاطر او را رها می کند تا بمیرد. اما بعد از مدتی هیزم شکنان کودکی را می بینند که پرنده ای به منظور حفظ و حمایت او بال هایش را از هم گشوده است. از شباهت های دیگر این دو داستان می توان به نحوه تولد رستم از طریق سزارین نیز اشاره کرد. فردوسی بیش از پنجاه بیت را به نحوه تولد رستم پرداخته است. وجود اصطلاحات پزشکی چون «خنجر آبگون» معادل «چاقوی جراحی»، «مرد بینا دل پر فسون» معادل «جراح»، شکافتن و بخیه کردن، استفاده از داروی بیهوشی، استفاده از پماد برای بهبود جای زخم و غیره بخشی از توضیح علمی غیر قابل انکار مباحث پزشکی در شاهنامه فردوسی است.⁴⁹ در شاهنامه چینی، دو روایت یعنی تولد نوزادی با بیماری آلبنیسم و سزارین، در تولد مشهورترین شخصیت تاریخی چین یعنی لائودزو، حکیم بنیانگذار دائو آمده است. در این روایت وی به مدت ۷۲ سال در زهدان مادر خود می ماند و سرانجام بعد از عمل سزارین در حالی که موهایی سفید داشت به دنیا می آید.⁵⁰

۵- رویش گیاه دارویی از خون

یکی دیگر از افسانه های فنگ شن ینی که شباهت بی نظیری با نمونه ایرانی خود دارد، داستان سیاوش با نام ین کئائو یا ین کئائو⁵¹ است. شباهت در نام شخصیت ها نیز به چشم می خورد؛ به طوری که سودابه در افسانه چینی سودا-گی یا سو تا کی⁵² نام دارد. بر طبق شاهنامه فردوسی محلی که خون سیاوش بر زمین ریخته می شود گیاه می روید.

گیاهی بر آمد همانگه ز خون بدانجا که آن طشت شد سرنگون

گیاه را دهم من کنونت نشان که خواهی همی خون آسیاوشان⁵³

در افسانه ها این چنین آمده است که گیاه خون سیاوشان را هر چه بپرند باز هم می روید. گیاه خون سیاوشان، گیاهی دارویی است که هنوز هم در درمان استفاده می شود. این گیاه دارویی جزء گیاهانی بود که به چین صادر می شد و در متون طبی و دارویی آن ها دیده می شود. در افسانه چینی نیز سیر و روند داستان یکی است، محلی که خون ین کئائو به زمین می ریزد با رویش گیاهان دارویی سبز می شود، داستان سودابه با نام سو تا کی و داستان کیکاووس با نام چو وانگ⁵⁴ نیز از جمله افسانه هایی هستند که شباهت بی نظیری در خصوصیات اخلاقی و رفتاری با روند یکسان داستان دارند.⁵⁵

نتیجه گیری

در تاریخ ادبیات به ندرت می توان دو اثر حماسی و ملی متعلق به دو تمدن مختلف پیدا کرد که در شخصیت ها و نمادهای اساطیری تا این حد دارای مشترکاتی باشند. قدمت روابط دو تمدن کهن آسیایی ایران و چین به اولین تبادلات تجاری و سیاسی از طریق جاده ابریشم خاکی باز می گردد. سالنامه نگاران چینی نیز در ذکر حوادث و وقایع کشور خود به اخلاق و صفات پارسیان اشاره کرده اند که گویای این است که دو تمدن کهن ایران و چین از حدود ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد از طریق جاده ابریشم خاکی و بعدها جاده ابریشم آبی با یکدیگر در ارتباط بودند. جاده ابریشم علاوه بر انتقال اسطوره ها، در علوم مانند طب، نجوم، ریاضیات و علوم دیگر نقش موثری داشته است.

شباهت بسیار فنگ شن ینی با شاهنامه فردوسی در تمامی زمینه های داستانی، شخصیت پردازی قهرمانان و گاهی حتی تشابه در نام شخصیت ها بسیار شگفت انگیز است. تفاوت در شاهنامه ها تنها در نام مولفان و برخی شخصیت ها است و

- 49- Brewster, 1972:115-122.
50- Liu Ts'un-jen, 1961.
51- Yin Kiao.
52- Su Ta-Ki.
53- Ferdowsi, 2010.
54- Chou Wang.
55- Coyajee, 1983.



گاه داستان در شاهنامه چینی با پایانی شیرین تمام می‌شود. حکم قطعی درباره زمان ورود اساطیر ایرانی به چین و یا بالعکس کار مشکلی است؛ اما بدون شک دو کشور در طول زمان از یکدیگر تاثیراتی گرفته اند.

References

- Amouzgar J. *The Legendary story of Iran*. Tehran: Samt. 1995: 88. [In Persian]
- Amouzgar J. *History of Early Iran*. Vol. 1. Tehran: Samt. 1998: 91-102. [In Persian]
- Azari A. *The History of relationships between Iran and China*. Tehran: Amirkabir. 1988. [In Persian]
- Brewster PG. Some Parallels Between the FengShen-Yen-I and the Shahnameh and the Possible Influence of the Former Upon the Persian Epic. *Asian Folklore Studies*, Nanzan University. 1972; **31**:115-122.
- Chien Po-Tsan, Shao Hsun-Cheng, Hu Hua. *Concise History of China*. Translated by Jan Khun-Nin. Tehran: Vismen; 1992. [In Persian]
- Christie A. *Chinese Mythology*. Hong Kong: Hamlyn Publ Group Ltd; 1997.
- Coyajee JC. [*Afsaneha Va Moataghedate Bastani Iran Va China*]. Translated by Kiya Kh. *Iran Abad*. 1961; **11**: 67-70. [In Persian]
- Coyajee JC. *Shahname and Feng Shen Yen-I*. Translated by Tabatabayi A. *J Faculty of Letters and Humanities university of Tabriz*. 1965:1-32. [In Persian]
- Coyajee JC. *Cults and legends of ancient Iran and China*. Translated by Dustkhah J. Tehran: Ketabhaye Jiby; 1983. [In Persian]
- Dehkhoda A. *Dictionary of Dehkhoda*. Tehran: University of Tehran; 1998. [In Persian]
- Ferdowsi Tusi A. *Shahname*. Edited by Mohl j. Tehran: Behzad; 2010. [In Persian]
- Liu Ts'un-jen. Buddhist Sources of the Novel Feng-Shen Yen-I. *J The Hong Kong Branch of the Royal Asiatic Society*. 1960-1961; 1.
- Liu Ts'un-jen. *The authorship of the Feng Shen Yen-I*. Wiesbaden, O. Harrassowitz; 1962.
- Morad Ganje N, Zeinaly M. [*Tatbighe Do Asare Hamasi Iran "Shahname" Va Asare Hamasi China "Feng-shen-yen- I"*]. *Name Parsi*. 2012; **60**:19-41. [In Persian]
- Safa Z. [*Hemase-soraai dar Iran az ghadimitarin ahd tarikhi ta gharn chaharom hejri*]. Tehran: Pirouz; 1954: 3-5. [In Persian]
- Ramezan Mahi Y. [*Barresi Asatir va Afsanehaye Moshtarake Iran and Chin*]. *Honar Name*. 2005; **26**:5-29. [In Persian]
- Rastgary Fasayi M. [*Farhange namhaye Shahname*]. Tehran: Moasse Motaleaat Va Tahghighate Farhangi. 1990. [In Persian]
- Sanders NK. *The Epic of Gilgamesh*. Translated by Esmail Felezi M.



Tehran: Hirmand; 2009. [In Persian]

Tonekaboni SM. [*Tohfe Hakim Moamen*]. Tehran: Mahmudi. 1669.
[In Persian]